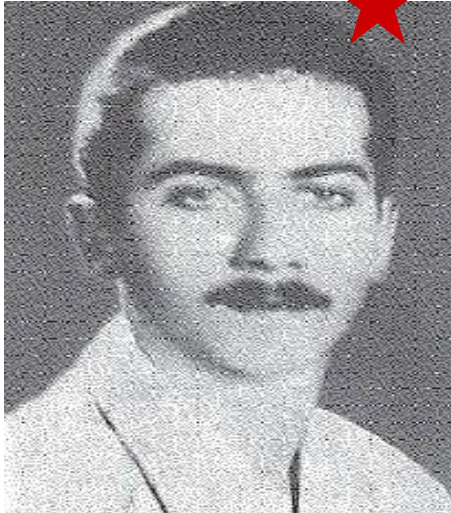




از کارگران چریک فدایی خلق بیموزیم



رفیق عباس کابلی

رفیق عباس کابلی کارگر آگاه و مبارزی بود که از کودکی با رنج و محرومیت آشنا شده بود. در همان دوران کودکی پدرش را از دست داد و برادر بزرگش اجباراً برای کمک به تأمین مخارج خانواده، تحصیل را رها کرده و به کار پرداخت. اما هنوز خانواده از کمبودهای زیادی رنج می برد و در نتیجه راهی که جبر زندگی در مقابل برادرش گذاشته بود پس از چندی در مقابل وی نیز قرار گرفت و او نیز ناگزیر برای تأمین معاش به کار روی آورد.

رفیق عباس که در سال ۱۳۲۰ در بابل به دنیا آمده بود مدتی پس از ترک تحصیل، زادگاه خود را نیز ترک کرده و به تهران رفت. او در تهران در یک بنگاه تعلیم رانندگی به کار مشغول شد. در حین انجام همین کار بود که اعتراض رانندگان علیه مقررات تحمیلی رژیم شاه به یکی از مبارزات جاری در جامعه تبدیل شد و عباس کابلی نیز با توجه به آگاهی و روحیه مبارزه جویانه اش در این اعتراض شرکت نمود. اما پاسخ رژیم شاه به رانندگان معترض جز تهدید آن ها نبود. هم چنان که رئیس پلیس به آن ها گفت که اگر به اعتراض ادامه دهید ماشین تان را از بین می بریم و خودتان را هم دستگیر می کنیم. این حرکت، اما، هم تجربه رفیق عباس را ارتقاء داد و هم خشم و کینه اش از دشمن طبقاتی را فزونی بخشید. بعدها رفیق عباس شغل دیگری در یک شرکت مواد خوراکی پیدا کرد و به استخدام این شرکت در آمد. در اینجا کارگزینی شرکت، او را به عنوان ویزیتور به کار گرفت.

اما این کار، با شخصیت، روحیات و آگاهی مبارزاتی عباس منطبق نبود، چرا که در این کار او می بایست برای بالا بردن فروش شرکت به مردم دروغ بگوید، امری که از

اخراج ۴ کارگر معدن "آق دربند" به ظن دست داشتن در حادثه تیراندازی!

مدیر عامل شرکت معادن خاور (واحد معدنی زغال سنگ آق دربند خاور در استان خراسان رضوی) با ارسال نامه ای به ایلنا اعلام کرد که: "در خصوص اخراج چهار کارگر در پی اعتراض صنفی به استحضار می رساند در سال جاری هیچ یک از پرسنل این شرکت اخراج نشده اند بلکه چهار نفر به دلیل ظن دست داشتن در حادثه تیراندازی به قصد قتل توسط سلاح جنگی تا اطلاع ثانوی و تعیین تکلیف در مراجع قضایی تعلیق از کار می باشند..."

در بخش دیگری از این نامه قید شده است: " حادثه تیراندازی فقط در راستای تعطیل کردن معدن بوده و ارتباطی به کارگران زحمتکش ندارد چرا که ایجاد رعب و وحشت و استفاده از سلاح جنگی و همچنین درز و انتقال خبر به برخی تلویزیون های بیگانه اصلاً در قاموس کارگران عزیز نمی گنجد..." اخراج چهار کارگر و تحویل آنها به مراجع قضایی از طرف مدیر عامل موقعی صورت گرفت که به گفته یکی از کارگران واحد معدنی زغال سنگ آق دربند خاور، چهار کارگر مذکور در روز یکشنبه ۸ شهریور ماه به دلیل اعتراض اخیر کارگران معدن به پرداخت نشدن معوقات مزدی اخراج شدند.

بر اساس این خبر کارگران این واحد تولیدی که تعداد آنها بالغ بر ۱۶۵ نفر است از ابتدای سال جاری با مشکل دریافت دستمزد مواجه بوده اند. کارگران این معدن علاوه بر مزد ۵ ماهه سال جاری، دستمزد اسفند ماه سال گذشته و عیدی و پاداش سال ۹۲ را هم هنوز دریافت نکرده اند. تأخیر در پرداخت دستمزد باعث شد تا کارگران در روز شنبه ۲۴ مرداد ماه، به نشانه اعتراض دست از کار بکشند و در نهایت در روز ۳۱ مرداد ماه به مدت یک ساعت در مقابل ساختمان فرمانداری سرخس تجمع کنند. به دنبال این اقدام اعتراضی کارگران معدن آق دربند، ۴ کارگر رسمی و قرار دادی این معدن اخراج می شوند. جالب است که به دنبال انعکاس این خبر مدیر عامل شرکت معادن خاور علاوه بر مظنون خطاب کردن چهار کارگر اخراجی به تیراندازی، در نامه خود در رابطه با معوقات حقوقی کارگران هم ریاکارانه نوشته است که " در خصوص معوقات مطرح شده در خبر مذکور نیز مستحضر می دارم بخش عمده ای از معوقات مربوط به سال ۱۳۹۱ می باشد و علت اصلی اینکه هنوز کارفرما موفق به بازپرداخت آن نشده است هم کاهش شدید تولید به دنبال سوءاستفاده برخی از افراد از احساسات کارگران عزیز می باشد."



سرخس:

سوسیالیسم، تنها راه غلبه بر شکاف طبقاتی

کارل مارکس و فریدریش انگلس، دو آموزگار کبیر پرولتاریا در "مانیفست کمونیست" مطرح کرده اند که "بورژوازی هر جا به قدرت رسید... بین آدمیان پیوند دیگری جز پیوند نفع صرف و "نقدینه" بی عاطفه باقی نگذاشت". واقعیت این سخن نغز را امروز کارگران و زحمتکشان ما در جامعه سرمایه داری ایران مدام تجربه کرده و مفهوم عمیق آن را هر چه بیشتر با پوست و گوشت خود لمس می کنند. وقتی این خبر تکان دهنده را می شنویم که مسئولین بیمارستانی صرفاً به خاطر پول، سبب مرگ یک زن حامله شده اند و به واقع با بی رحمی و بی عاطفه گی که مناسبات متکی بر "نفع صرف" و "نقدینه" سرمایه داری ایجاد می کند، موجبات قتل وی را فراهم کرده اند برایمان مفهوم واقعی سخنان مارکس و انگلس و عمق فاجعه و جنانیتی که بانی آن سیستم سرمایه داری حاکم بر کشور است هر چه عینی تر و ملموس تر می گردد. خبر تکان دهنده اخیر که از جمله در سایت روز نو درج شده این است که همسر حامله یک کارگر ساختمانی در شهر سلماس واقع در آذربایجان که برای زایمان به بیمارستان این شهر مراجعه کرده بود به تشخیص دکترها تنها با عمل جراحی می توانست نوزاد خود را به دنیا آورد ولی از آن جا که قادر به پرداخت هزینه زایمان نبود مورد جراحی قرار نگرفت و در نتیجه او را مجبور به زایمان طبیعی کردند که همان طور که دکترها پیش بینی کرده بودند این زایمان منجر به مرگ وی شد و این زن جوان به عنوان زن یک کارگر، درست به علت نداشتن "نقدینه" کافی در همان بیمارستان جان خود را از دست داد. اگر خوب توجه کنیم به واقع، مرگ این زن حامله را قانون و مقررات حاکم بر آن بیمارستان که خود بر اساس قانون حاکم بر تولید سرمایه داری که جز پول و منافع شخصی صرف سرمایه دار، به چیز دیگری پایبند نیست رقم زد.

از این روست که بحث در این جا نمی تواند روی دکترها و

ادامه در صفحه ۲





کارکنان مشخص آن بیمارستان متمرکز شود بلکه بحث اصلی این است که سیستم سرمایه داری اساساً مناسبی را در جامعه ایجاد می کند و انسان ها را بدون آن که خود بدانند وارد مناسباتی نموده و روابطی بین آن ها به وجود می آورد که خارج از حیطه خواست و تمایل آن هاست. در

این مناسبات نه انسانیت و پیوند انسانی بلکه "نفع صرف" و "نقدینه" ای که جیب سرمایه داران را پر میکند در ارتباط انسان ها با یکدیگر حرف اول را می زنند. بر این مناسبت که سیستم سرمایه داری هر روز و هر ساعت فاجعه و جنایت می آفریند.

خبر فوق هم چنین در حالی که از یک طرف شدت ظلم و ستمی که در سیستم سرمایه داری به کارگران و زحمتکشان وارد می شود را آشکار می کند، در عین حال بیانگر چگونگی تقسیم ثروت در جامعه نیز می باشد. برجستگی این امر موقعی هر چه بیشتر آشکار می شود که این خبر را با خبر دیگری که در سایت

تابناک تهران به تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۹۴ انعکاس یافته مقایسه کنیم - که در این صورت تقسیم ناعادلانه ثروت موجود در جامعه به صورت عیان و غیر قابل انکار در مقابل چشم همه قرار گرفته و عمق بی عدالتی گسترده در جامعه سرمایه داری که ذاتی این سیستم می باشد به همگان یادآور می شود. خبر دوم حاکی از آن است که "امروز برای برگزاری یک جشن عروسی شیک و به یاد ماندنی در تهران، عروس و دامادهای پولدار پایتخت نشین، هلی کوپتر را جایگزین ماشین عروس خود کرده اند." این خبر به وضوح نشان می دهد که چه پول های کلانی که به واقع حاصل دسترنج کارگران است در دست "پولدارهای پایتخت نشین" یعنی سرمایه داران و وابستگان به رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی متمرکز شده است، به گونه ای که آن ها برای صرف آن هر روز به جاه طلبی جدیدی دست می زنند. مقایسه دو خبر فوق در کنار هم، همچنین نشانگر آنند که سیستم سرمایه داری مولدین ثروت یعنی کارگران را از داشتن حداقل ثروت محروم می کند و به آن ها امکان استفاده از ثروتی که خود تولید کرده اند را نمی دهد و در عوض شرایطی به وجود می آورد که آن هائی که کاری نمی کنند - البته جز سازمان دادن شرایط استثمار مولدین ثروت - از بیشترین امکان تصاحب ثروت جامعه و استفاده از آن بهره مند می شوند. از این روست که در جامعه سرمایه داری به همان صورت که امروز در ایران شاهدیم ثروت در یک سو و در دست سرمایه داران و ایادی شان به مثابه اقلیت محدود استثمارگر انگل صفت متمرکز می شود و اکثریت جامعه از ثروت تولید شده در جامعه تنها سهم کوچکی نصیب می شود. درست به همین خاطر است که امروز شاهدیم که اکثریت آحاد جامعه به درجات متفاوت گرفتار فقر و فلاکت بوده و

محروم از بسیاری از نعمات زندگی با مشکلات عدیده و شرایط زندگی اسفباری مواجه می باشند. بنابراین وجود فاصله طبقاتی شدید بین طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر و زحمتکش ذاتی سیستم سرمایه داری می باشد که به خصوص امروز نه فقط در جامعه سرمایه داری ایران بلکه

فقر و گرسنگی به چنان حدی رسیده است که حتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به مثابه یک ارگان جنایتکار و "بی همه چیز" نیز به آن اعتراف کرده و نسبت به آن هشدار می دهد و به طور متوسط ۱۳ درصد جامعه را گرسنه اعلام می کند، سطح خیابان های تهران و دیگر شهرها را کودکان معصومی فرا گرفته که به جای این که در سر کلاس درس باشند هر یک اجناسی از قبیل آدامس و بیسکویت و گل و غیره را به دست گرفته و آن ها را با التماس به رهگذران به فروش می رسانند، "برخی از کودکان براساس نوع جنس و سن و تجربه بین یک تا ۴ میلیون تومان فروخته یا اجاره داده می شوند" (روزنامه ایران به تاریخ چهارم مرداد ۱۳۹۴)، این که به نوشته همین روزنامه، تنها در تهران ۱۳ هزار کودک کار وجود دارد که به بیگاری مشغولند و... و آن گاه در آن سوی مرز (مرز بین سرمایه داران و وابستگان به رژیم با کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های تحت ستم ایران) اقلیتی در حدود ۵۰ هزار نفر وجود دارند که به نوشته "کلمه" (دهم بهمن ماه ۱۳۹۳) تنها در سال ۱۳۹۲ از درآمد ۳۰۰ هزار میلیاردی برخوردار بوده اند...

در کل جهان به طور فزاینده در حال گسترش است و بیش از هر وقت دیگر چهره زشت و کثیف سیستم سرمایه داری را درمقابل جهانیان به نمایش گذاشته است.

این که یک کارگر ساختمان با همه رنج و زحمتی که در کار متحمل می شود مزدی دریافت نمی کند که بتواند هزینه بیمارستان برای وضع حمل همسر حامله اش را بپردازد و جامعه، بیمارستانی با دکتر و تجهیزات لازم برای کارگرانش که مولدین اصلی ثروت در همین جامعه هستند تهیه نمی بیند تا کسی از خانواده های کارگری به خاطر نداشتن پول جانش را از دست ندهد، این که بنا به آمار منتشر شده طی سال گذشته ۶۰ درصد از کل حوادث کار ساختمانی منجر به مرگ کارگران شده است (بر اساس سخنان مدیر کل بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تاریخ ۱۳ مرداد)، این که باز طبق آمار خود دست اندرکاران رژیم، دو میلیون و نیم زن در ایران بدون هیچ شغلی و درآمدی در حالی که سرپرستی فرزندان خود را نیز به عهده دارند از تأمین حداقل معاش برای خود و فرزندانشان محروم گشته اند، این که فقر و گرسنگی به چنان حدی رسیده است که حتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به مثابه یک ارگان جنایتکار و "بی همه چیز" نیز به آن اعتراف کرده و نسبت به آن هشدار می دهد و به طور متوسط ۱۳ درصد جامعه را گرسنه اعلام می کند، این که سطح خیابان های تهران و دیگر شهرها را کودکان معصومی فرا گرفته که به جای این که در سر کلاس درس باشند هر یک اجناسی از قبیل آدامس و بیسکویت و گل و غیره را به دست گرفته و آن ها را با التماس به رهگذران به فروش می رسانند، این که "برخی از کودکان براساس نوع جنس و سن و تجربه بین یک تا

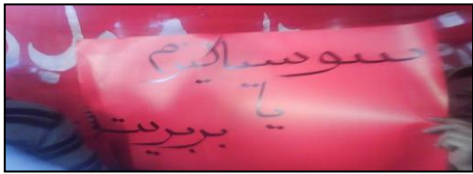
۴ میلیون تومان فروخته یا اجاره داده می شوند" (روزنامه ایران به تاریخ چهارم مرداد ۱۳۹۴)، این که به نوشته همین روزنامه، تنها در تهران ۱۳ هزار کودک کار وجود دارد که به بیگاری مشغولند و... و آن گاه در آن سوی مرز (مرز بین سرمایه داران و وابستگان به رژیم با کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های تحت

ستم ایران) اقلیتی در حدود ۵۰ هزار نفر وجود دارند که به نوشته "کلمه" (دهم بهمن ماه ۱۳۹۳) تنها در سال ۱۳۹۲ از درآمد ۳۰۰ هزار میلیاردی برخوردار بوده اند که مسلماً هر چه زمان می گذرد بر میزان درآمد و ثروت این بخش محدود و مفتخور جامعه هم افزوده می گردد، و در همین جامعه سطح دزدی "مقامات" جمهوری اسلامی و وابستگان شان به آن جا رسیده است که حال سخن از گم شدن دکل ۸۷ میلیون دلاری در میان است و... همه این ها نمودارهایی از نظم طبقاتی ظالمانه سرمایه داری حاکم و بیانگر بیماری و ناکارآمد بودن سیستم سرمایه داری در ایران می باشد. در چنین

جامعه ای است که می بینیم که همه چیز وارونه تنظیم گشته است. آنان که با شرافت تمام از حاصل دسترنج خود زندگی می کنند به خاطر این که پول ناچیزی به دست می آورند مورد توهین و تحقیر قرار می گیرند. بر عکس، مفت خورها که انگل وار از قبل کار دیگران ارتزاق می کنند و حاصل دسترنج دیگران را به جیب می زنند خانم ها و آقایان محترم شمرده می شوند. در این جامعه وارونه است که دستفروش زحمتکش اهوازی از ظلم و ستم حاکمین به چنان حد از استیصال می رسد که زن و دو فرزند خردسالش را رها کرده و دست به خود سوزی می زند و مظاهری چون تن فروشی، کارتن خوابی، اعتیاد جوانان و از این قبیل، خصوصیت این جامعه وارونه است. در این جامعه وارونه است که از طرف دیگر، جوانانی از طبقه مفت خور و انگل هم غرق در بی خیالی و خوش گذرانی های شبانه با ماشین های آخرین سیستم خود در خیابان های پایتخت ویراژ می دهند که گاه خبر قربانی شدن شان در این ویراژهای پر سرعت شبانه در روزنامه ها درج می شود. این جامعه سرمایه داری وارونه، جامعه ای که اکثریت مردم در آن با مصیبت های گوناگون دست به گریباندن فرسنگ ها از یک جامعه مطلوب انسانی به دور است. از جامعه ای که فاز اول آن را جامعه سوسیالیستی می نامیم. جامعه سوسیالیستی، متضاد با جامعه سرمایه داری که نظم و برپائی آن به خاطر تأمین منافع مشتی سرمایه دار مفتخور و انگل صفت می باشد بر اساس منافع اکثریت مردم به نظم در آمده و سامان یافته است. در این سیستم هر کس به اندازه توانش کار می کند و به اندازه کارش از ثروت اجتماعی بهره مند می گردد؛ و در چهار چوب همین سیستم سوسیالیستی است که ثروت اجتماعی به طور عادلانه بین آحاد جامعه تقسیم می شود. این واقعیت در



ویرانه های سیستم ظالمانه و مملو از جنگ و خونریزی سرمایه داری، جامعه سوسیالیستی مطلوب خود را بنا نهند. برپائی جامعه سوسیالیستی رسالتی است که تاریخ در مقابل کارگران قرار داده و کارگران مبارزه ایران نیز از عهده آن بخواهند آمد.



گفته بود به نام "سه اشرف" که برای مادرش که اشرف نام داشت و رفقا، حمید اشرف و اشرف دهقانی سروده شده بود. متأسفانه از اشعار او جز شعری به نام "بیداری خلق" چیزی در دسترس نیست.

با پیوستن به چریکهای فدائی خلق، رفیق عباس به یکی از آرزوهای زندگی اش رسید و خیلی زود جهت تشکیل پایگاهی در شهر اهواز به این شهر منتقل شد. و با تأسف باید گفت که در همین پایگاه بود که در ۱۵ شهریور سال ۵۳، هنگامی که کمربند سلاح خود را باز می کرد نارنجکش منفجر شد و این کارگر مبارز به شهادت رسید. کارگری که همواره می گفت: "برای این که دشمن را خلع سلاح کنیم، برای این که دشمن را منفعل و زبون سازیم، باید همواره چه در موقع اسارت و چه در موقع رو درروئی با دشمن برخورد قاطع و خشن با او داشته باشیم".

بعد از شهادت رفیق عباس کابلی وقتی که دوستان و اقوامش به مادرش تسلیت می گفتند مادر رنجیده او که یک مادر قهرمان بود در پاسخ می گفت: "جای تسلیت گفتن نیست. باید خوشحال بود که عباس با سلاح خود ازدواج نمود؛ که اشاره مادر به راه سترگی بود که فرزندش آگاهانه برای خود برگزیده بود. این چنین بود که طبقه کارگر ما یکی دیگر از فرزندان دلاور و سلحشور خود را از دست داد. او از کارگرانی بود که با پاسخ به رسالتی که تاریخ در مقابل شان قرار داده بود نقشی تاریخی بازی کردند و تاریخ ساز شدند.

در حالی که فریادهای اعتراضی کارگران و شعار دادن آنها به گونه ای که سایت خبری "بابک آنلاین" گزارش داده بود در هنگام حضور مراد عزیزاده، مدیر عامل شرکت صنایع مس سرچشمه، جهت رسیدگی به اعتراضات کارگران که خواهان استعفای وی بودند صورت گرفت. این سایت نوشت که: "کارگران با پرتاب مهر و کفش و

اشیایی از این قبیل، مخالفت خود را با سخنان وی ابراز داشتند و او را مجبور به ترک محل کردند". به دنبال این اطلاعیه برخلاف ماههای گذشته که کارگران مجتمع مس سرچشمه دستمزد ماهانه خود را با چند روز تأخیر دریافت می کردند، تمامی این کارگران روز سه شنبه ۳ شهریور ماه، دستمزد مردادماه خود را دریافت کردند.

رهبری مبارزه جهت سرنگونی سیستم سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم را پیدا کند. در شرایط ایران که تحت سلطه امپریالیسم قرار دارد و دیکتاتوری عنان گسیخته ای بر جامعه حاکم است که به طبقه کارگر امکان تشکل در پروسه مبارزات قانونی و مسالمت آمیز را نمی دهد، کارگران ما تنها در پروسه مبارزه مسلحانه قادر به متشکل شدن خود شده و امکان رهبری همه مبارزات توده ها را خواهند یافت. آن ها با شکست دشمنان طبقاتی خود در جریان رهبری یک جنگ توده ای خواهند توانست بر

مارکسیسم و تاریخ کشورش باز نماند. در این دوره هنوز راه واقعی مبارزه در ایران برای کارگران مبارز و آگاهی چون رفیق عباس کابلی شناخته شده نبود ولی با رستاخیز سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه در ایران به قول رفیق مرضیه اسکوئی اینک، "راه" پیش پا بود (رفیق مرضیه در شعری سروده بود که: "اینک، راه پیش پای ماست"). بنابراین، رفیق عباس با توجه به آگاهی سیاسی و تجاربی که چه در جریان کار و چه در رابطه با دستگیری هایش در زندان از سر گذرانده بود از جمله کارگران آگاهی بود که خیلی زود "راه" را شناخت و به حقانیت این مبارزه پی برد. برای کارگر رزمنده گروه صنعتی بهشهر که در جریان کار و زندگی، درد و رنج جامعه طبقاتی را با پوست و گوشت خود لمس کرده بود و با همه وجود مخالف نظم ظالمانه سرمایه داری حاکم بود، دیگر درنگ جایز نبود و او در حالی که در جستجوی ارتباط با چریکهای فدائی خلق و پیوستن به آن ها بود با همکاری تعدادی از رفقای دست به کار تشکیل گروهی شد که ضمن اعتقاد به خط مشی مسلحانه در تلاش بودند تا با همان حد تجربه ای که داشتند با تکنیک های ساده به عملیات مسلحانه دست بزنند. در همین جریان بود که این کارگر آگاه با چریکهای فدائی خلق در ارتباط قرار گرفته و در آغاز سال ۱۳۵۲ همراه با بقیه رفقای در گروهی که تشکیل داده بود به این سازمان پیوستند.

رفیق عباس، کارگری بود که جدا از تهور و جسارت و آگاهی های مبارزاتی اش طبع شعر هم داشت. مثلاً شعری

سرچشمه نسبت به پایین بودن مزایای مزدی خود، در روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ماه، مدیریت این مجتمع وعده داد که با کارگران ناراضی مبادرت به تشکیل جلسه مشترک نماید. این جلسه صبح روز یکشنبه یکم شهریور ماه برگزار شد اما بدون هیچ نتیجه مشخصی خاتمه یافت. به همین دلیل هم تجمع اعتراضی کارگران مجتمع مس سرچشمه بار دیگر از سر گرفته شد. به دنبال این تجمع، روابط عمومی شرکت ملی مس ایران روز دوشنبه ۲ شهریور ماه با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد که همان طور که در نشست با کارگران گفته شد "حقوق و مزایای کارکنان کاهش نخواهد یافت". و در ادامه ادعا شده که "این نشست به دلیل ایجاد هیاهو و سر دادن شعار توسط تعداد اندکی از افراد معترض ناتمام ماند".

عین حال اولین معیار اساسی است که جامعه سوسیالیستی را از سیستم سرمایه داری متمایز می سازد. تنها طبقه کارگر آن طبقه اجتماعی است که قادر به ایجاد جامعه سوسیالیستی می باشد، این را قانونمندی های حاکم بر نظام سرمایه داری و تاریخ مبارزه علیه این نظم ظالمانه بارها ثابت نموده است. طبقه کارگر در شرایط جامعه روسیه توانست در جریان مبارزات اقتصادی خود با روشنفکران کمونیست، این سرچشمه های آگاهی ارتباط برقرار کرده، در حزب طبقه کارگر متشکل شده و امکان

از کارگران چریک فدائی خلق ...

از صفحه ۱

عهده او ساخته نبود و از این رو بارها از کارگزینی شرکت تقاضای تغییر کارش را نمود. ولی آن ها او را سر دوانده و پاسخ روشنی به تقاضای وی نمی دادند که این امر باعث مشاجره شدید او با رئیس کارگزینی و گوشمالی رئیس توسط رفیق عباس کابلی گشت.

پس از این حادثه شرکت مزبور، بدون پرداخت حقوق او را اخراج نمود و به این نیز بسنده نکرده و وی را به عنوان کارگر خاطی به شرکت های دیگر معرفی کرد که این امر منجر به آن گردید که شرکت های دیگر نیز او را استخدام نکنند و در نتیجه وی حدود یک سال بیکار ماند تا این که بالاخره در گروه صنعتی بهشهر به عنوان کارگر مشغول به کار شد.

در سال ۱۳۳۲ رفیق عباس که یک نو جوان بود با توجه به فضای سیاسی شهر بابل در فعالیت های سیاسی شرکت می کرد و گاه به پخش اعلامیه می پرداخت. به همین دلیل هم بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد سال ۳۲ چند بار دستگیر و مورد بازجویی قرار گرفت. این دستگیری ها و دیدن فضای زندان و برخورد سروکوبگرانه زندانبانان شاه با زندانیان سیاسی هم تجربه او از دستگاه امنیتی را بالا برد و هم خشم و کینه اش از جلادان حاکم را صیقل داد. او در تمام سال های بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا پیوستن به چریکهای فدائی خلق، ضمن کار در کارخانه و حفظ ارتباطش با دیگر کارگران مبارز هرگز از مطالعه

تجمع اعتراضی کارگران مس سرچشمه و

سردادن شعار علیه مدیریت، مدیران را

به دست و پا انداخت!



بر اساس گزارش یکی از کارگران معترض مس سرچشمه، به دنبال اعتراض حدود ۵۰۰ نفر از کارگران مجتمع مس

جان باختن همسر یک کارگر روزمزد، به خاطر نداشتن هزینه های زایمان در بیمارستان سلماس و تلاش مقامات جمهوری اسلامی برای لاپوشانی این امر!



به گزارش سایت روز نو، روز چهارشنبه ۱۱ شهریور ماه، در بیمارستانی در شهرستان سلماس از توابع استان آذربایجان غربی، یک زن حامله که به تشخیص دکتر باید با عمل جراحی فرزند خود را به دنیا می آورد به خاطر نداشتن هزینه های عمل مجبور به زایمان طبیعی شده و جان خود را از دست داد. همسر این زن حامله یک کارگر روزمزد بوده که می گوید بیمارستان برای عمل جراحی همسر از من هزینه میلیونی خواسته و وقتی به آنها توضیح دادم که از عهده تامین چنین هزینه ای بر نمی آیم، همسر را مجبور به زایمان طبیعی کردند که در بحبوحه تولد نوزاد جان خود را از دست داد. بر اساس این گزارش، این کارگر ساختمان که بطور روزمزد کار کرده و مزد ناچیزی دریافت می کند، با اشک در چشمهایش از بی رحمی مسئولان بیمارستان شهرستان گفته و تاکید می کند مسئولان بیمارستان توجهی به وضعیت بد مالی او نکرده و گفتند صرفا در ازای پرداخت هزینه مورد نظر حاضر به عمل همسر هستند و با شروع درد زایمان وقتی موفق به تامین هزینه فوق نشدم آنها بی رحمانه همسر را مجبور به زایمان طبیعی کرده و او را کشتند. خانواده این زن از حادثه پیش آمده به شدت متاثر و شوکه شده و می گویند، اقدام بیمارستان سلماس بی رحمانه ترین کاری بود که در حق یک زن حامله میشد کرد. گزارش به نقل از همسایه ها و اطرافیان هم در مورد زوج فقیر می افزاید؛ آنها در یک اتاق کوچک اجاره ای زندگی می کردند و زندگی بسیار فقیرانه داشتند.

در پی درج این گزارش و بازتاب آن در رسانه ها، دانشگاه علوم پزشکی استان آذربایجان غربی با ارسال نامبری به سایت روزنو اعلام کرد که: "مطلب مندرج در سایت روزنو در خصوص فوت مادر سلماسی بدلیل نداشتن هزینه های زایمان در بیمارستان سلماس بشدت تکذیب می شود." به دنبال تکذیب این خبر از سوی دانشگاه پزشکی و مدیر شبکه بهداشت و درمان سلماس فرمانداری شهر سلماس نیز وارد ماجرا شده و با دیدن بازتاب گسترده این خبر همسر زن را به دفتر خود خوانده و در باره چرائی انعکاس خبر از او توضیح می خواهد. کارگر رنج دیده ای که همسر خود را از دست داده بعد از این اتفاقات به خبرنگار سایت

روز نو می گوید: "همسر من شیخ نبود که مقامات بهداشت شهر مدعی می شوند، نبوده و فوت نکرده است. همسر من به اسم مه لقاء زینالی در بیمارستان خاتم الانبیاء این شهر فوت کرده است آن هم در حالیکه پرستاران بخش به جای رسیدگی به بیمار، سیب پوست می کنند و می خندیدند و توجهی به التماس های من نداشتند." به گزارش "روز نو" این کارگر که در شرایط سختی قرار گرفته و می گوید حتی هزینه نگهداری نوزاد یتیمش را ندارد، از مسئولان بهداشت گله کرده و تاکید می کند که درد بزرگ آن است که آنها می گویند همسر من وجود نداشته و در این بیمارستان فوت نکرده است. مه لقاء من در بخش زایمان بیمارستان خاتم الانبیاء سلماس جان داد نه در صحرا و کویر که به چشم مسئولان و رسانه ها نمی آید. در بیمارستان خاتم الانبیاء سلماس، همسر را در یک اتاق بدون تجهیزات انداخته بودند و وقتی وخامت حالش را دیدم سراغ پرستاران و پزشکان رفتم اما آنها به التماس ها و حال پریشان من توجهی نکردند.

کارگران پیمانی مس سرچشمه، بار دیگر در مقابل وزارت صنعت در تهران، تجمع اعتراضی بر پا داشتند!

بر اساس گزارشی از کارگران پیمانی مس سرچشمه، روز یکشنبه ۱۵ شهریور ماه، تعدادی از کارگران پیمانی این کارخانه که از روز قبل (شنبه ۱۴ شهریور ماه) در مقابل ساختمان وزارت صنایع و معادن در خیابان سمیه تهران مبادرت به تجمع نموده اند، اعلام داشتند، مدت دو ماه است که دستمزد خود را دریافت نکرده اند و به میزان دستمزد و نداشتن امنیت شغلی خود معترضند. این کارگران می گویند که عمل نکردن مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت به وعده هایی که داده بودند سبب شد تا بار دیگر کارگران مس سرچشمه کرمان به تهران بیایند. بر اساس این گزارش: تجمع کنندگان با یادآوری اینکه ماه گذشته نیز تعدادی از آن ها در اقدامی مشابه برای اعتراض به تهران آمده بودند، افزودند: آزمون نیز برای پیگیری خواسته هایمان نزدیک به چهار روز در تهران بودیم و سرانجام با وعده ای که یکی از معاونان وزیر صنایع در مورد رسیدگی به مشکلاتمان داده بود به محل سکونت خود بازگشتیم. در خاتمه این گزارش آمده است که: این کارگران که از طریق پیمانکار و در قالب قراردادهای موقت دو ماهه در مجتمع مس سرچشمه مشغول کارند، نسبت به تبعیض هایی که در محاسبه مزد و توزیع مزایای شغلی میان آن ها با کارگران قرارداد مستقیم مس سرچشمه وجود دارد، معترضند.

بر اساس این گزارش سرانجام صبح روز یکشنبه ۱۵ شهریور ماه، به دنبال تجمع ۱۵۰ نفر از کارگران مس سرچشمه در مقابل وزارت صنعت، مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت با نمایندگان این کارگران مذاکره کردند. مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت، ابتدا از کارگران

خواستند که نمایندگان خود را برای مذاکره تعیین کنند و کارگران هم از میان خود هفت نفر را به عنوان نماینده انتخاب کردند. به گفته این کارگران **در ظهر روز یکشنبه ۱۵ شهریور ماه، جلسه مشترکی میان نمایندگان کارگران با مسئولان وزارت صنعت، شرکت مس سرچشمه و پیمانکار برگزار شد. اما رفتار نمایندگان پیمانکار با نمایندگان کارگران انقدر نامناسب بود که این جلسات بدون دستاورد مشخصی خاتمه یافت.** بر اساس این گزارش کارگران معترض می گویند که همزمان با برپایی تجمع صبح امروز مطلع شدیم که کارفرما میانی را بابت دستمزد مرداد ماه پرداخت کرده است اما به عقیده تجمع کنندگان مبالغ واریز شده با میزان کارکرد آن ها در ماه گذشته همخوانی ندارد.

با شکست مذاکرات به دلیل رفتار نامناسب کارفرما با نمایندگان کارگران بار دیگر کارگران در مقابل وزارت صنعت مبادرت به تجمع کردند. در این تجمع که روز سه شنبه ۱۷ شهریور ماه، در مقابل ساختمان وزارت صنعت، معدن و تجارت برگزار شد بار دیگر کارگران پیمانی به دو ماهه بودن مدت اعتبار قرارداد کار و دریافت مزایای مزدی کمتر از آنچه که به سایر همکاران آنها پرداخت می شود، اعتراض کردند.

بر اساس این گزارش یکی از کارگران حاضر در این تجمع اعلام کرد که: از مراجعه روز سه شنبه ۱۷ شهریور ماه، به وزارت صنعت، معدن و تجارت نتیجه ای نگرفتیم و برای همین روز چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه، برای پیگیری خواسته های صنفی خود به نهاد ریاست جمهوری مراجعه کردیم. این کارگر معترض از پیوستن نزدیک به ۱۰۰ نفر دیگر از همکارانش به جمع کارگرانی که از روز شنبه در تهران حضور دارند، خبر داد و گفت: در حال حاضر نزدیک به ۲۵۰ کارگر هستیم که برای پیگیری مطالبات مزدی خود به تهران آمده ایم. وی در خاتمه افزود: به دنبال مراجعه به نهاد ریاست جمهوری از ما خواسته شد تا برای رسیدگی، شرح و تفصیل خواسته های صنفی خود را به صورت مکتوب، تحویل دهیم.

در ادامه اعتراضات این بخش از کارگران مس سرچشمه، روز پنجشنبه ۱۹ شهریور ماه، یکی از کارگران در یک اطلاع رسانی اعلام داشت: به دنبال تجمعی که روز چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه، در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری داشتیم، یکی از مسئولان نهاد ریاست جمهوری گفت که برای روز شنبه جلسه ای در خصوص مشکلات کارگران پیمانکاری مس سرچشمه تشکیل خواهد شد. وی ادامه داد: از قرار معلوم بازم در این جلسه به غیر از نمایندگان ما، مسئولان وزارت صنعت، شرکت مس و نمایندگان پیمانکار نیز حضور خواهند داشت. بر اساس این گزارش و به نقل از این کارگر: وی و همکارانش با این وعده که در جلسه پیشرو به خواسته های صنفی آن ها رسیدگی خواهد شد، تهران را به مقصد کرمان ترک کردند.

جان باختن کارگر معدنچی در حین کار،

در معدن زغال سنگ هشتونی کرمان!

روز یکشنبه ۸ شهریور ماه، یکی از کارگران معدن زغال سنگ هشتونی در استان کرمان که در روز چهارشنبه ۴ شهریور ماه، در اثر ریزش معدن از ناحیه سر مصدوم گشته بود و به بیمارستان منتقل شده بود بر اثر شدت جراحات پس از ۳ روز اغماء در روز شنبه ۷ شهریور ماه، در بیمارستان باهنر کرمان جان خود را از دست داد. در گزارشی در این رابطه به نقل از کارگران معدن هشتونی آمده است که: علیرغم اینکه به نظر می‌رسد عدم رعایت نکات ایمنی عامل حادثه بوده است، اما هنوز نتیجه گزارش بازرسی اداره کار اعلام نشده است.

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته

پالایشگاه آبادان در مقابل

وزارت نفت در تهران!

روز دوشنبه ۲ شهریور ماه، حدود ۳۰ نفر از بازنشستگان پالایشگاه آبادان به منظور پیگیری بخشی از مطالبات مزدی خود در مقابل وزارت نفت در تهران تجمع کردند. یکی از کارگران بازنشسته حاضر در این تجمع، با اعلام این خبر اظهار داشت: مشکلات بازنشستگان پالایشگاه آبادان تقریباً از دو سال پیش و در زمانی آغاز شد که دولت وقت از طریق قوه قهریه بیش از ۶۰ کارگر بازنشسته را وادار کرد تا خانه‌های سازمانی دو منطقه "بریل" و "گوارد" شهر آبادان را تخلیه کنند. این وضعیت در حالی صورت گرفت که همان زمان مسولان دولت مصوبه‌ای را برای واگذاری این منازل مسکونی به بازنشستگان پالایشگاه آبادان بابت مطالبات مزدیشان امضاء کرده بودند. بعد از آنکه کارگران خانه‌های سازمانی را که قرار بود بابت مطالبات مزدی تصاحب شوند را به اجبار ترک کردند این منازل در تملک اشخاصی غیر از کارکنان شرکت نفت قرار گرفت. بر اساس این گزارش: معترضین با بیان اینکه ما کارکنان بازنشسته پالایشگاه آبادان خواستار اجرای مصوبه دولت در جهت واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان با عمر بالای بیش از ۷۰ سال به بازنشستگان هستیم در ادامه افزودند: دولت وقت با امضاء این مصوبه، این منازل سازمانی را بابت پرداخت بخشی از بدهی‌های مالی‌اش به بازنشستگان واگذار کرده بود. اما بعد از خارج کردن بازنشستگان از منازل سازمانی این خانه‌ها را نه به بازنشستگان تحویل می‌دهند و نه برای پرداخت مطالبات برجا مانده، اقدامی می‌کنند.

در ادامه این اعتراض روز سه شنبه ۳ شهریور ماه، کارگران بازنشسته باز هم مبادرت به تجمع نمودند و با برافراشتن پارچه نوشته‌هایی در اعتراض به بی‌توجهی به خواسته‌های صنفیشان از مسئولان وزارت نفت خواستند تا به مشکلات آنان رسیدگی کنند. در این تجمع یکی از کارگران به عنوان نماینده معترضین اظهار داشت: متأسفانه با اینکه دو روز از اعتراض ما می‌گذرد اما هنوز هیچ مسئولی به

خواسته صنفی‌ما توجه‌ای نکرده است. یکی از معترضین نیز اعلام کرد که: جدا از آنکه پالایشگاه منازل سازمانی را از آنها پس گرفته است، اما از سنوات هر کارگر بازنشسته بابت سالهای اقامت مبالغی بین ۹ تا ۱۸ میلیون تومان به عنوان هزینه نگهداری کسر کرده است. گروه نکه داشتن این میزان پول از سنوات بیش از ۱۰۰ کارگر بازنشسته قانونی نیست و به همین دلیل کارگرانی که امروز مقابل ساختمان وزارت نفت جمع شده‌اند خواستار بازپرداخت سنوات خدمت خود و همکارانشان هستند.

آمار های تکان دهنده!



مدیرکل اجتماعی وزارت کشور در سخنرانی خود در جلسه کارگروه اجتماعی استان تهران اعلام کرد که از جمعیت کنونی کشور ۱۸ میلیون ساکن در سکونت گاه های غیر رسمی می باشند که این آمار واقعا نگران کننده است. وی در ادامه سخنان خود گفت: "من نمی توانم بسیاری از آمارها را ارائه کنم چون خبرنگار در جلسه حضور دارد" و سپس در ادامه سخنان خود تاکید کرد که در منطقه ۱۲ تهران که ۱۳ محله دارد از محله اودلاجان تا دروازه غار: "متأسفانه در این محلات شاهد خرید و فروش بچه بودم. آنقدر وضعیت بحرانی است که بچه را در شکم مادر یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان پیش خرید می کنند". وی همچنین گفت ما ۲ میلیون و ۲۳۰ هزار زن سرپرست خانوار داریم. زانی که مشکل تامین زندگی دارند. در این سخنرانی همچنین گفته شد که: "متأسفانه ضرب و جرح و افزایش آن در جامعه را شاهد هستیم چراکه آستانه تحمل مردم پایین آمده" است. در ادامه این جلسه مدیرکل رفاه و کار استان تهران با ارائه آماری اعلام کرد که: "۲,۱۵۰ میلیون کارگر در تهران داریم که می شود ۶ میلیون جمعیت کارگری" وی همچنین تاکید نمود که آمارهای ۶۸ بنگاه کارایی تهران نشان می دهد که ۳ هزار فرصت شغلی داریم اما ۱۰ هزار نفر علاقه به کار دارند.

تجمع کارگران مجتمع کشت و صنعت

مهاباد در محوطه فرمانداری!

روز دوشنبه ۲ شهریور ماه، نزدیک به ۱۰۰ نفر از کارگران مجتمع کشت و صنعت مهاباد در اعتراض به ادامه بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های صنفی خود در محوطه فرمانداری شهرستان مهاباد تجمع کردند. بر اساس این گزارش: ۲۰۰

کارگر که در واحدهای تولیدی زیر مجموعه این مجتمع مشغول کارند از بابت پرداخت نشدن معوقات مزدی و احتمال تمدید نشدن قراردادهای کار خود همچنان نگرانند. مجتمع کشت و صنعت مهاباد شامل کارخانه‌های "کشت و صنعت مهاباد"، "مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد"، "مجتمع هما مرغ مهاباد" و "سردخانه زمزم مهاباد" می‌شود.

کارگران زن سوزن دوز در خاش، همچنان

درگیر مشکل بیمه درمانی و اجتماعی!



یکی از زنان استادکار پیشه سوزن‌دوزی در شهرستان خاش روز چهارشنبه ۱۱ شهریور ماه، با اعلام اینکه "کارگران سوزن‌دوز شهرستان خاش سیستان و بلوچستان هنوز برای برخورداری از مزایای بیمه‌های درمانی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی با مشکل مواجه هستند"، اظهار داشت: با گذشت بیش از یکسال از رسانه‌ای شدن مشکلات بیمه‌ای زنان سوزن‌دوز شهرستان خاش هنوز هیچ سازمان و نهادی به مشکلات ما رسیدگی نکرده است و در مراجعه به سازمان تامین اجتماعی زاهدان و درخواست بیمه شدن، آن‌ها عملی شدن این امر را، منوط به پرداخت ۱۷ میلیون تومان کردند. اما نه من و نه هیچ کارگر سوزن‌دوز دیگری، این رقم پول را نداریم. بر اساس این گزارش، حرفه سوزن‌دوزی از جمله مشاغلی است که بیشتر زنان شهرستان خاش به صورت سنتی در آن مشغول کار بودند و از طریق این حرفه بخشی از هزینه‌های زندگی خود را تامین می‌کنند. این استاد کار با اعتراض به این که چرا کسی به فریاد ما نمی‌رسد، گفت: برای انتقال این هنر، دخترانی از سنین مختلف و از بخش‌های خاش، ایرندگان، اسپکه، هریدک، بمپور نزد من آمده و به‌طور رایگان به آن‌ها آموزش می‌دهم که شماری از آنان خود سرپرست هستند و باید از سوی دولت برای برخورداری آن‌ها از بیمه‌های اجتماعی، چاره‌اندیشی شود. در ادامه گزارش آمده است: در خصوص رسیدگی به وضعیت این گروه از زنان پیشه‌ور سیستان و بلوچستان، یکی از اعضای شورای شهر ایرانشهر می‌گوید: در عمل تسهیلات مالی که می‌تواند مشکلات این گروه از پیشه‌وران را مرتفع کند، به افراد غیر واجد شرایط پرداخت می‌شود. به صورت مشخص سال گذشته که مشکل یکی از همین کارگران سوزن‌دوز در شورای اسلامی شهر ایرانشهر مطرح شد، خودم شخصاً با مراجعه به صندوق کارآفرینی پیگیر اعطای تسهیلات به وی شدم، اما در نهایت پاسخ رد شنیدم.

ابعاد عظیم بیکاری زنان!



به گزارش ایرانا، وزیر صنعت، معدن و تجارت در دومین نمایشگاه بین المللی نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار اعلام نمود که از جمعیت ۲۳ میلیونی فعال کشور فقط ۱۲ درصد را زنان تشکیل می دهند. وی در ادامه سخنانش گفت که ۳۰ درصد زنان تحصیل کرده بیکاراند که این رقم سه برابر نرخ بیکاری کشور است.

جان باختن ۹۴ کارگر بر اثر حوادث حین

کار در چهار ماه نخست سال جاری

در استان تهران!

روز پنجشنبه ۱۹ شهریور ماه، روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی استان تهران، گزارش داد که: در چهار ماه نخست امسال ۹۴ نفر جان خود را در حوادث کار در استان تهران از دست داده‌اند. در این گزارش با اشاره به جنسیت فوت شدگان حوادث کار در استان آمده است: تمام فوت شدگان حوادث کار در چهار ماه نخست امسال مرد بوده‌اند. این گزارش افزوده است که تنها در تیر ماه امسال تعداد فوت ناشی از حوادث کار ۲۶ نفر بوده است.

کارگران اخراج شده مجتمع نیشکر

میان آب، بلاتکلیف و نگران!



بر اساس گزارش روز شنبه ۷ شهریور ماه، ۲۹۰ کارگر بیکار شده مجتمع نیشکر میان آب که در مجاورت این کارخانه در روستایی به همین نام ساکن هستند نسبت به اقدام تازه کارفرمای این واحد صنعتی در خصوص استخدام کارگران غیر بومی، معترض شدند. به گفته کارگران اخراجی، در خرداد ماه سال جاری شرکت کشت و صنعت نیشکر میان آب، این کارگران روز مزد را به دلیل تمام شدن مدت قرارداد کار تعدیل کرد و مدتی بعد به جای آنها کارگرانی را از اهالی غیر بومی روستا، استخدام کرد. تا پیش از اخراج اخیر، کارفرمای این واحد صنعتی به صورت معمول هر شش ماه یک بار همه کارگران روزمزد خود را اخراج و پس از گذشت چند روز آنها را به کار سابق خود باز

می‌گرداند. بر این اساس کارگران مذکور انتظار داشتند که این بار نیز پس از چند روز به کار سابق خود بازگردند. گزارش می‌افزاید که در اعتراض به این اقدام کارفرمای نیشکر میان آب، کارگران اخراج شده با مراجعه به نهادهای مختلف اداری خواهان بازگشت به کار خود شدند اما در نهایت چون به نتیجه‌ای نرسیدند، روز چهارشنبه ۲۸ مرداد ماه، به همراه خانواده‌هایشان در محدوده این شرکت تجمع کردند. اما در این تجمع با دخالت نیروی انتظامی تعدادی از تجمع‌کنندگان بازداشت شدند.

تجمع کارگران پتروشیمی بسپاران

در اعتراض به کاهش مزایای مزدی!

صبح روز یکشنبه ۸ شهریور ماه، جمعی از کارگران پیمانکاری پتروشیمی بسپاران که از زیر مجموعه‌های مجتمع پتروشیمی بندر امام می‌باشد در اعتراض به کاهش یافتن بخشی از مزایای مزدی خود دست به تجمع زدند. معترضان از جمله کارگرانی هستند که از طریق شرکت پیمانکاری "فریمکو" در شرکت پتروشیمی بسپاران مشغول به کارند. بر اساس این گزارش معترضان که تعداد آن‌ها تا حدود ۱۰۰ نفر برآورد می‌شود، می‌گویند که در محاسبه دستمزد مرداد ماه آن‌ها مبلغی که تاپیش از این از سوی پیمانکار بابت سایر مزایا به آن‌ها تعلق می‌گرفت کسر شده است. در تداوم این اعتراض و در دومین روز تجمع با وعده مدیریت پتروشیمی مبنی بر رسیدگی به خواست کارگران آنها به کار سابق خود بازگشتند.

اعتراض کارگران پیمانکاری معدن البرز

شرقی به ۴ ماه مزد معوقه!

روز دوشنبه ۹ شهریور ماه، دومین روز اعتصاب نزدیک به ۱۸۰ نفر از کارگران پیمانکاری زغال سنگ البرز شرقی بود که در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد شان دست از کار کشیده بودند. معترضان از جمله کارگرانی هستند که زیر نظر پیمانکار در تونل برناکی منطقه طهره شاهرود به استخراج زغال سنگ اشتغال دارند. بر اساس این گزارش به نقل از کارگران معترض آنها علاوه بر ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده، بابت حق بیمه‌های خود نیز طلبکارند. همچنین گفته می‌شود ۵۵ نفر از راننده‌های اتوبوس و کامیون نیز که در سه ماه گذشته دستمزدی دریافت نکرده‌اند نیز به نشانه اعتراض از روز گذشته حاضر به جابجا کردن کارگران معترض نشدند. با وجود این که کارگران به دنبال وعده کارفرما به سر کار بازگشتند اما با مشاهده عدم تحقق وعده‌های داده شده بار دیگر در روز پنجشنبه ۱۲ شهریور ماه، در محوطه معدن اقدام به تجمع نمودند. این تجمع تا روز دوشنبه ۱۶ شهریور ماه ادامه داشت اما کارفرما تا زمان مخابره این خبر به بهانه نبود منابع مالی از پرداخت حقوق کارگران سر باز زده است.

اعتصاب ۷۰۰ کارگر صنایع دریایی در

اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه دستمزد!

به گزارش وبسایت خلیج فارس بر اساس گزارش کارگری که درخواست اسمش فاش شود، نزدیک به ۷۰۰ کارگر شرکت صنایع دریایی ایران در اعتراض به تاخیر سه ماهه دستمزد، از ابتدای هفته جاری دست از کار کشیدند. در این خبر که در روز جمعه ۱۳ شهریور ماه، انعکاس یافت آمده است که کارگران حدود ۱۴۷ روز حقوق نگرفته‌اند، بخش کارمندی نیز ۱۳۴ روز از شرکت طلبکار است. در نتیجه وقتی برای پرداخت آن، زمانی اعلام نشد، کارگران تنها راه چاره را در آن یافتند که دست از کار بکشند. براساس گزارش وبسایت محلی خلیج فارس، از حدود ۴ هزار کارگری که در دوران اوج فعالیت شرکت صنایع دریایی ایران در این مجتمع صنعتی مشغول به کار بودند، تنها ۱۵۰۰ کارگر در این مجموعه باقی‌مانده‌اند. در ادامه گزارش آمده که: یکی از مسئولان شرکت صنایع دریایی ایران وعده داده که بخشی از حقوق کارگران اعتصابی در روزهای آینده پرداخت می‌شود. اما در عین حال تاکید کرده است انتشار خبر دست کشیدن کارگران صدرا از کار، باب طبع مدیریت نبوده است.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه شیشه

آبگینه، مقابل استانداری قزوین!

پیش از ظهر روز یکشنبه ۱۵ شهریور ماه، تعدادی از کارگران کارخانه شیشه آبگینه قزوین با تجمع در مقابل استانداری قزوین خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. یکی از کارگرانی که در این تجمع صنفی حضور داشت با اعلام این خبر، اظهار داشت: حدود ۵۰ نفر هستیم و پس از آنکه از مراجعه کارفرما به استانداری قزوین مطلع شدیم این تجمع را برپا کردیم. وی همچنین افزود: در کارخانه شیشه آبگینه زمانی نزدیک به ۴۰۰ کارگر کار می‌کردند که در حال حاضر تعداد آن‌ها به حدود ۲۷۰ نفر کاهش یافته است. بر اساس این گزارش، این کارگران هنوز بابت مزایای مزدی چون دستمزد اسفند تا مرداد، حق بیمه ارداریهشت تاکنون، عیدی سال ۹۳ و سنوات مربوط به بعد از سالهای ۸۷ از کارفرما طلبکارند. در چنین وضعی آنها به تازگی مطلع شده‌اند که در ادامه این وضعیت قرار است برق کارخانه نیز قطع شود.

تجمع اعتراضی کارگران آردل،

مقابل دفتر فروش این کارخانه!

صبح روز شنبه ۱۴ شهریور ماه، جمعی از کارگران کارخانه آردل، در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغل و معوقات مزدی خود، مقابل دفتر فروش این کارخانه تجمع کردند. یکی از کارگران این واحد تولید لوازم خانگی با اعلام این خبر اظهار داشت: حدود ۳۴ نفر هستیم که از ابتدای سال جاری تاکنون معطل بانسستگی هستیم و در این مدت نیز

مسجد سلیمان اعلام شده است به دلیل اتمام اعتبار قرار داد کارشان دیگر برای آن‌ها در این واحد صنعتی، شغلی وجود ندارد. بنابر این، ۳۹ کارگر قرار دادی این کارخانه با دو ماه حقوق معوقه اخراج شدند. بر اساس این اطلاع رسانی، در این واحد تولید کننده سیمان بیش از ۳۲۰ کارگر رسمی، قراردادی و پیمانی مشغول به کار هستند که هر کدام از آنان دو ماه حقوق طلب دارند. همچنین از دو ماه پیش فعالیت تولیدی کارخانه سیمان کارون محدود شده و کارفرما حدود ۲۵۰ نفر از کارگران خود را به مرخصی اجباری فرستاده است. کارگران اخراج شده در واکنش به از دست دادن شغل خود روز سه شنبه ۳ شهریور ماه، در اعتراض به اخراج های اول شهریور ماه و مطالبات مزدی معوقه خود، مقابل درب ورودی کارخانه مبادرت به تجمع اعتراضی نمودند. به دنبال این تجمع کارفرمای سیمان کارون، اعلام نمود که احتمال ادامه تعدیل ها وجود دارد.

در پی تجمع اعتراضی کارگران زن و مرد کشتارگاه سیمرغ نیشابور، کارفرما ۳ تن از کارگران را اخراج و خواهان چشم پوشی کارگران از دریافت بخشی از دستمزدشان شد!

کارگری در استان خراسان روز دوشنبه ۹ شهریور ماه، از اخراج ۳ کارگر با سابقه کشتارگاه سیمرغ نیشابور خبر داد و اظهار داشت: کارگران اخراج شده که از ۳ تا ۷ سال سابقه کاری داشتند بعد از اعتراض شبانه دوشنبه ۲ شهریور ماه، که از سوی همه کارگران این واحد تولیدی برپا شده بود، اخراج شدند. وی در عین حال از رعایت نشدن حداقل های قانونی در خصوص سایر کارگران شاغل در این واحد تولیدی نیز، خبر داد. بر اساس این گزارش، کارگران کشتارگاه سیمرغ درباره جزئیات مورد اعتراض خود، گفتند: در اردیبهشت ماه سال جاری این واحد به دلیل تخلفات بهداشتی به مدت دو ماه موقتا تعطیل شد و ۱۲۰ کارگر بیکار شدند. کارگران همچنین می گویند: با گذشت بیش از ۲ ماه از بازگشایی مجدد کشتارگاه هنوز معوقات مزدی آنها پرداخت نشده است. یکی دیگر از دلایل اعتراض کارگران این بود که کارفرما در روزهای پایانی بازسازی کشتارگاه قصد داشت با همه کارگران رسمی کشتارگاه قرار دادهای یک ماهه امضاء کند که این موضوع نیز با مخالفت کارگران رسمی منتهی شد. در پایان این گزارش به نقل از کارگران آمده است که: دستمزدهای همه زنان و مردانی که به عنوان کارگر در این کشتارگاه مشغول کار هستند کمتر از حداقل های تعیین شده در شورای عالی می باشد.

به همین دلیل **کارفرما هفته پیش از آنها خواسته است تا اگر دستمزد مربوط به ایام تعطیلی کارخانه را ببخشند او حاضر است تا از ماه آینده به کارگران مزد قانونی پرداخت کند.**

حدود ۶۰ کارگر از مجموع ۶۴۰ کارگری که به صورت قراردادی در این واحد صنعتی کار می کنند، حضور داشتند.

دامنه اعتراضات کارگری

از اعتصاب تا مرگ و خودسوزی!

پایگاه خبری تحلیلی "کارگران کرمان" روز شنبه ۲۱ شهریور ماه، طی یک گزارش خبری اعلام کرد که یکی از کارگران سابق فضای سبز که به صورت شرکتی با شهرداری کرمان همکاری داشت، مقارن ظهر سه شنبه ۱۷ شهریور ماه، در مقابل شهرداری کرمان اقدام به خود سوزی کرد. در این سالها کارگران زیادی به دلیل حقوق های معوقه، اخراج بدون پرداخت حقوق و عدم امکان استفاده از حق بیمه، زندگی شان از هم پاشیده شده و کارگران در موقعیتی قرار گرفته اند که حتی برخی از آنها مبادرت به خودکشی نموده اند.

تجمع اعتراضی کارگران نسبا به عدم پرداخت پنج ماه حقوق!

بر اساس گزارشی به تاریخ چهارشنبه ۴ شهریور ماه، شرکت سداد که پیمانکار و سازنده جاده محور قزوین - رشت در محدوده شهرستان رودبار است از ۵ ماه پیش معوقات حقوقی بیش از ۴۰۰ کارگر خود را پرداخت نکرده است. بر مبنای این گزارش بی توجهی مدیران شرکت "سداد" نسبت به مطالبات کارگران باعث شده تا ۸۰ نفر از کارگران این پروژه عمرانی، صبح روز شنبه یکم شهریور ماه، تجمع اعتراضی را در حاشیه جاده (۱۱ کیلومتر باقی مانده آزاد راه) در محدوده شهر منجیل سازمان دهند. بر همین اساس سرپرست کارگاه ساخت ۱۱ کیلومتر باقی مانده آزاد راه رشت - قزوین در پاسخ به اعتراض کارگران، وعده پرداخت ۲ ماه از مطالبات معوقه کارگران را حداکثر تا پایان هفته آینده داده است.

تجمع کارگران کارخانه سیمان کارون در

اعتراض به اخراج از کار و

عدم دریافت حقوق معوقه خود!



صبح روز یکشنبه یکم شهریور ماه، کارگری از کارخانه سیمان کارون، در یک اطلاع رسانی اعلام داشت که شب شنبه ۳۱ مرداد ماه، به حدود ۳۹ نفر از کارگران قراردادی شاغل در کارخانه سیمان کارون در شهر کلگیر شهرستان

مزایای مزدی ما بصورت نامنظم پرداخت شده است. بر اساس این گزارش به نقل از وی آمده است: از طرف کارفرما ما به گفته شده است که برای بازنشستگی خود را به شعبه تأمین اجتماعی معرفی کنیم اما مسئولان سازمان تأمین اجتماعی می گویند چون حق بیمه ما به صورت کامل پرداخت نشده است نمی توانند احکام بازنشستگی ما را صادر کنند. ظاهراً کارفرما ۴ درصد حق بیمه مربوط به ایام اشتغال در کارهای سخت و زیان آور را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نکرده است و به همین دلیل بازنشستگی ما به تاخیر افتاده است. به غیر از میهم ماندن وضعیت بازنشستگی باقیمانده کارگران آردل، این کارگران در جریان تجمع امروز مطرح کردند که از زمانی که توسط کارفرما برای بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی فرستاده شده اند پرداخت مطالبات مزدی آن ها دچار وقفه شده است.

۱۸۶ کارگر کارخانه کمباین سازی اراک،

توسط کارفرما اخراج شدند!

بر اساس گزارش یکی از کارگران کارخانه کمباین سازی اراک به تاریخ دوشنبه ۳۰ شهریور ماه، طی یک ماه گذشته از این کارخانه ۱۸۶ کارگر اخراج شده اند. این در حالیست که کارگران این واحد تولیدی سه ماه حقوق معوقه طلبکارند. این کارگر در ادامه این گزارش می افزاید که: "در یک ماه اخیر کارگران ۱۰ روز تجمع اعتراضی داشته اند". در گزارش مزبور همچنین تاکید شده که کارگران معتقدند ادعای کارفرما در خصوص مشکل نقدینگی نادرست است.

اعتراض کارگران کاشی کویر به

پرداخت نشدن معوقات مزدی!

صبح روز شنبه ۱۴ شهریور ماه، جمعی از کارگران کاشی کویر، در اعتراض به پرداخت نشدن ۳ ماه دستمزد و حق بیمه و نیز تمدید تعطیلی موقت این واحد تولیدی تجمع کردند. بر اساس گزارش های منتشر شده در این رابطه، این تجمع صنفی در قسمتی از مسیر یزد به تهران برپا شده بود و شرکت کنندگان از اینکه با وجود فروش بخشی از محصولات کارخانه هنوز مطالبات آن ها پرداخت نشده است معترض بودند. گزارش به نقل از کارگران معترض می افزاید: جدا از آنکه هنوز اقدامی در خصوص پرداخت معوقات مزدی ما صورت نگرفته است به تازگی مطلع شدیم که قرار است که تعطیلی این واحد تولیدی برای یک هفته دیگر تمدید شود. در چند هفته گذشته به دستور مدیریت، این واحد تولیدی به مدت ۱۲ روز متوقف شده بود، و روز پنجشنبه ۱۲ شهریور ماه، پیامکی از طرف کارفرما برای تمامی کارگران ارسال شد که در آن آمده بود، تعطیلی کارخانه برای یک هفته دیگر ادامه خواهد داشت. در خاتمه گزارش آمده که در جریان تجمع امروز

در پی تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه

لوله و نورد صفا، ۱۲ کارگر اخراج شدند!

روز سه شنبه ۱۷ شهریور ماه، یکی از کارگران کارخانه لوله و نورد صفا در شهرستان ساوه، از اخراج ۱۲ نفر از کارگران این کارخانه در عرض یک هفته گذشته به دلیل خاتمه قرارداد خبر داد. کارگران اخراجی دست کم بین ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار داشتند و تا پیش از خاتمه قرارداد به عنوان بخشی از ۸۰۰ کارگر شاغل در این واحد تولیدی مشغول به کار بودند. بر اساس این گزارش، کارخانه لوله و نورد صفا در فاصله زمانی اردیبهشت تا خرداد ماه سال جاری، صحنه تجمعات صنفی کارگرانی بود که خواستار پرداخت شدن ۴ ماه مزد و نزدیک به ۱۶ ماه حق بیمه خود بودند. گزارش می افزاید: ۱۲ کارگر اخراجی هنوز مانند سایر همکاران خود بابت ۴ ماه مطالبات مزدی طلبکارند و به گفته کارگرانی که هنوز در لوله و نورد صفا شاغلند احتمال دارد که اخراج آنها با اقدامات اعتراضی اخیر مرتبط باشد.

تجمع کارگران کارخانه کاشی نیلو، مقابل

فرمانداری نجف آباد!

صبح روز شنبه ۲۱ شهریور ماه، جمعی از کارگران کارخانه کاشی نیلو، در اعتراض به از سرگیری تلاش دولت برای خصوصی سازی این واحد تولید کننده کاشی و عقب افتادگی ۵ ماهه بخشی از مزایای خود، در مقابل فرمانداری نجف آباد استان اصفهان تجمع کردند. بر اساس این گزارش؛ ظاهرا کارفرما از ۵ ماه پیش بخش عمده ای از مطالبات مزدی و مزایای این کارگران را از جمله حقوق، بیمه، بن کارگری، و سایر مزایای شغلیشان... را پرداخت نکرده است. در این گزارش همچنین آمده است که تاخیر چند ماهه در پرداخت مطالبات مزدی رانندگان سرویس های حمل و نقل در این واحد صنعتی باعث شده است تا راننده ها خدمات خود را به کارگران قطع کنند و کارگران اجبارا با صرف هزینه اضافه به کارخانه بروند. گزارش در خاتمه می افزاید؛ پیش از این کارگران کاشی نیلو، تجمعات دیگری را طی روزهای گذشته در محوطه کارخانه و مقابل ساختمان نهادهای دولتی شهرستان نجف آباد اصفهان برگزار کرده اند ولی کارگران در هر تجمع با اعتماد به مسئولان به شکلی مسالمت آمیز به تجمعشان خاتمه داده اند.

در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات

مزدی، ۲۰۰ کارگر کارخانه پارس متال،

تجمع کردند!

بر اساس گزارشی از کارخانه پارس متال، بیش از ۲۰۰ کارگر این کارخانه صبح روز شنبه ۲۸ شهریور ماه، در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی خود در محوطه کارخانه تجمع کردند. دلیل اعتراض کارگران اضافه شدن دستمزد مرداد و شهریور ماه به جمع مطالبات مزدی

پرداخت نشده، می باشد. گزارش به نقل از کارگران می افزاید؛ علاوه بر مطالبات مزدی و بیمه، هنوز کارفرما ۷۰ درصد از عیدی سال ۹۳ کارگران را نپرداخته است.

کارگران پیمانکاری معادن البرز شرقی،

برای سومین بار در ماه جاری،

تجمع اعتراضی بر پا داشتند!

صبح روز یکشنبه ۲۹ شهریور ماه، نزدیک به ۱۵۰ نفر از کارگران معدن برناکی، از کارگران پیمانکاری معادن زغال سنگ البرز شرقی واقع در منطقه طرزه استان سمنان، برای سومین بار در ماه جاری، در محوطه معدن تجمع اعتراضی بر پا داشتند. بر اساس این گزارش، دلیل این تجمع اعتراضی هم همانند تجمعاتی که آخرین بار در روزهای دوشنبه ۹ و دوشنبه ۱۶ شهریور ماه جاری در همین مکان برگزار شده بود، پرداخت نشدن ۴ ماه دستمزد معوقه عنوان شده است. کارگران می گویند؛ در این واحد معدنی حدود ۶۰۰ کارگر به صورت رسمی و ۸۰۰ کارگر به صورت پیمانکاری اشتغال دارند و تجمع امروز مربوط به کارگران پیمانکاری تونل برناکی است که از چهار ماه قبل به جز مبلغ کمی (حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان) به صورت الحساب دریافتی دیگری نداشته اند. در خاتمه گزارش آمده است؛ کارفرمای کارگران پیمانی معدن برناکی پیش تر در جریان تجمع روز دوشنبه ۱۶ شهریور ماه، به کارگران قول پرداخت مطالبات کارگران را تا پایان ماه جاری داده بود که با عملی نشدن وعده کارفرما، دوباره کارگران تصمیم به ادامه تجمعات اعتراضی خود گرفته اند.

تجمع ۳۰۰ نفر از کارگران شرکت های

خودروسازی و قطعه سازی استان تهران

در مقابل مجلس!



صبح روز یکشنبه ۲۹ شهریور ماه، نزدیک به ۳۰۰ نفر از کارگران شاغل در کارخانه های خودروسازی و قطعه سازی مستقر در استان تهران با تجمع در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی، خواستار حمایت از ظرفیت های اشتغال این صنعت و تضمین امنیت شغلی خود و سایر همکارانشان شدند. بر اساس این گزارش، تجمع کنندگان معتقدند در شرایطی که مرزهای رسمی کشور به روی واردات خودروهای خارجی باز نگهداشته شده است ادامه تحریم خرید خودروهای صفر کیلومتر داخلی می تواند به ابزاری برای آغاز اخراج کارگران شاغل در این صنعت

منجر شود. کارگران می افزایند؛ با آغاز این اتفاق باید شاهد تکرار تعدیل های ساختاری باشیم که در سالهای پس از جنگ در کارخانه های نساجی، چرم، کفش و لوازم خانگی اتفاق افتاد و باعث شد تا در نتیجه واردات رسمی و غیر رسمی کالاهای مصرفی خارجی، شمار زیادی از کارگران این صنایع شغل خود را از دست بدهند.

تجمع اعتراضی کارگران مناطق نفت خیز

در مقابل استانداری خوزستان!

به گزارش رهیاب خبر؛ صبح روز دوشنبه ۳۰ شهریور ماه، حدود ۳۰۰ کارگر دکل شرکت حفاری "سپنتا بین الملل" در مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کرده و به عدم دریافت ۱۱ ماه حقوق و مزایای خود معترض اند. آنها از اینکه کسی جوابگوی آنها نیست حساسی گله دارند. در این گزارش گفته های کارگران معترض این شکل انعکاس داده شده است: "وقتی مسئولین دولتی در مناطق نفت خیز می بینند پیمانکارشان حقوق ما را نمی دهد باید خودشان حق و حقوق ما را پرداخت کنند." کارگر دیگری صدا می زند: "از مهر امسال به خاطر نبود پول یکی از دکل ها تعطیل شده است ما هم ۱۱ ماه است بدون حقوق بر روی دکل معراج کار می کنیم" و در ادامه می گوید "با اینکه دکل چاوش یک، کار نمی کند. اما پرسنلش بر روی دکل حضور دارند او از ۳۰۰ کارگری خبر می دهد که بی حقوق مانده اند". کارگری از میان جمعیتی که درب استانداری تجمع کرده اند فریاد می زند "راجع به اخراجی ها هم چیزی بگویید" او می گوید: "تقریبا ۳ ماه قبل تعدادی از کارگران در آزادگان برای دریافت حقوق خود اعتصاب کردند ولی ۳۰ الی ۴۰ نفرشان را به خاطر همین موضوع اخراج کردند".

کارگر دیگری می گوید: "اگر کارمان را بدون حقوق ادامه بدهیم و اداره کار هم همینطور دست روی دست بگذارد، با وضعیت موجودی که شرکت سپنتا دارد، قطعا تا یکسال دیگر هم حقوق نخواهیم گرفت." همین کارگر ادامه می دهد که "چاه هایی که قبلا زده ایم و در حال حاضر از آنها نفت استخراج می کنند، آیا حق ما نیست که با فروش نفت همان چاه ها با ما تصفیه حساب کنند؟ اگر این اتفاق بیفتد دکل ها فعالیتشان را ادامه می دهند و ۳۰۰ کارگر بیکار نمی شوند". یکی دیگر از کارگرها می گوید "برخی از ما تا سرحد طلاق هم پیش رفته ایم، بعضی از کارگرها خانواده هایشان از هم پاشیده شده است، الان مدارس و دانشگاه ها در حال بازگشایی ست، همه ما بچه مدرسه ای و دانشجو داریم و باید آنها را راهی مدرسه کنیم اما یک ریال هم در جیبمان نیست، اگر در استان کسی جوابگوی ما نباشد با آن کارگرانی که قدرت خرید بلیط دارند دست جمعی به تهران میرویم و درب مجلس تجمع می کنیم".

رهیاب خبر در ادامه این گزارش نوشته است که یکی از نمایندگان مجلس در جلسه علنی روز یکشنبه ۲۹ شهریور ماه، مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود با

که مشمول مقررات مشاغل سخت و زیان آور می‌شوند، به دلیل پرداخت نشدن کامل حق بیمه خود توسط پیمانکاران، نمی‌توانند از فرصت بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند. بر اساس این گزارش، این معوقات به ۴ درصد حق بیمه اضافی مربوط می‌شود که می‌بایست توسط کارفرمایان بر اساس قانون مشاغل سخت و زیان آور بابت ایامی که کارگر مشمول در مشاغل سخت و زیان آور اشتغال داشته به سازمان تامین اجتماعی پرداخت شود. ولی هیچکدام از شرکت های پیمانکاری که با نزدیک به ۳۵۰۰ کارگر در معادن زغال سنگ کرمان فعالیت دارند، سهم ۴ درصدی خود را برای بازنشستگی کارگران مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور پرداخت نکرده‌اند.

هنوز ۴ ماه حقوق سال ۹۲، به کارگران پیمانکاری مخابرات نیشابور، پرداخت نشده است!



۱۱ کارگر شاغل در شرکت مخابرات نیشابور که از مهر ماه سال ۹۳ با شرکت خدمات همراه اول قرارداد کاری دارند، بیش از ۴ ماه حقوق و سایر مزایای شغلی خود را دریافت نکرده‌اند. این کارگران پیش از این (از آذر ماه ۹۲ تا مهر ۹۳) به مدت ۱۰ ماه تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری ماهان پیمان نیشابور، در بخش تلفن‌های ضروری ۱۱۸ نیشابور کار می‌کردند و معوقات حقوقی این کارگران به ماه‌های آذر، دی، بهمن و اسفند ۹۲ مربوط می‌شود که در مدت این ۴ ماه کارگران مورد نظر فقط ۵۰۰ هزار تومان مساعده گرفته‌اند و علاوه بر آن این کارگران بابت مزایای عیدی و پاداش، سنوات و عائله‌مندی تا مهر ماه سال ۹۳ طلبکارند.

۶ هزار و ۵۰۰ اعتراض و اعتصاب کارگری از آغاز سال جاری تنها در استان کرمان!

به گزارش "شبکه اطلاع رسانی راه دانا" به تاریخ چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه، استاندار کرمان در جریان بازدید از "نمایشگاه بومی‌سازی قطعات معدنی و صنعتی گل‌گهر" اعتراف نمود که از آغاز سال جاری ۶۵۰۰ اعتراض کارگری رخ داده است. وی طی سخنرانی خود گفت: "نباید در استانی مانند کرمان که بهشت معادن و صنایع است ۶۵۰۰ اعتراض کارگری رخ دهد خیابان مسدود شود مردم اعتراض کنند خانواده های کارگران در مضیقه باشند."

۱۴ ماه حقوق کارگران لنت تدا خاوران در قزوین، به آنها پرداخت نشده است!

بر اساس گزارشی که به تاریخ یکشنبه یکم شهریور ماه، منتشر شد، ۷۰ کارگر کارخانه لنت تدا خاوران در قزوین بابت ۱۴ ماه مزد و حق بیمه پرداخت نشده طلبکارند. معوقات حقوقی کارگران لنت تدا خاوران مربوط به سالهای گذشته و سال جاری است و این کارگران برای امسال (۹۴) به جز ۸۰۰ هزار تومان مساعده پول دیگری از کارفرما دریافت نکرده‌اند. کارگران لنت تدا خاوران می‌گویند که نگران هستند مبدا مشکل پرداخت نشدن حق بیمه در دسترسی آنها به خدمات درمانی و بازنشستگی سازمان تامین اجتماعی اشکال آفرینی کند. در این گزارش در ادامه آمده است که: به گفته این کارگران تا این لحظه مراجعه آنها به نهادهایی اداری همچون اداره کار، سازمان تامین اجتماعی و فرمانداری شهرستان البرز برای پیگیری خواسته‌هایشان بی‌نتیجه بوده است.

کارفرمای کارخانه فولاد البرز در قزوین که سهامدار کارخانه های لوله و نورد صفا و پروفیل ساوه نیز می باشد با توجیه "شرایط اقتصادی" از پرداخت دستمزد کارگران سر باز می زند!

روز شنبه ۷ شهریور ماه، کارگران کارخانه فولاد البرز واقع در استان قزوین در یک اطلاع رسانی اعلام داشتند که ۱۹۰ کارگر شاغل در این کارخانه طی ۴ ماه گذشته یعنی ماه های اردیبهشت، خرداد، تیر و مرداد سال جاری، حقوقی دریافت نکرده‌اند. علاوه بر این کارفرما هنوز بابت، عیدی سالهای ۹۳ و ۹۴ به آنها بدهکار است. بر اساس این گزارش، کار فرمای این کارخانه که به صورت همزمان در مالکیت کارخانه های مشکل دار دیگری همچون لوله و نورد صفا و پروفیل ساوه سهم دارد مدعی است که "در این شرایط اقتصادی، تولید هیچگونه توجیهی ندارد" و با این ادعا از پرداخت حقوق کارگران سر باز می زند.

عدم پرداخت حق بیمه توسط پیمانکاران و توقف بازنشستگی پیش از موعد ۳۵۰۰ معدنچی معدن زغال سنگ همکار،



بر اساس گزارش منتشر شده در روز چهارشنبه ۱۱ شهریور ماه، حدود ۳۵۰۰ کارگر پیمانی معادن زغال سنگ کرمان

تذکر به وزیر نفت گفت: چه شده که از ۲۲ دکل حفاری شده مستقر در خلیج فارس، ۱۶ دکل را به چینی ها و هندی ها واگذار نمودید و پنج دکل تمام ایرانی از حفاری شمال و ۲۰ دکل از حفاری جنوب را ترخیص نمودید که سبب بیکاری ۴ هزار نفر ایرانی شده است؟

حکم دادگاه جمهوری اسلامی در ارتباط با کارگری که توسط ماموران شهرداری کشته شد

به گزارش ایلنا متهم اصلی پرونده قتل علی چراغی، کارگری که توسط ماموران شهرداری کشته شد در دادگاهی که روز ۳۱ مرداد ماه تشکیل جلسه داداز اتهام قتل عمد تبرئه شد. به دنبال این خبر برادر علی چراغی به ایلنا گفت: "در مدارک پزشکی قانونی استفاده از جسم سخت، مشابه پنجه بوکس ذکر شده است" وی همچنین گفت: "به استناد مدارک پزشکی در بیمارستان امام حسین (ع) بعد از عمل مشخص شد بر اثر ضربه‌ای که به سر مرحوم چراغی وارد شده بود، جمجمه به حدى آسیب دیده که قابل پیوند نبوده و همین ضربه باعث ۳ سانت بریدگی در سر مرحوم شده است." برادر کارگر کشته شده در گفتگو با ایلنا افزود: صدور این حکم نشان از در نظر نگرفتن توضیحات شهود و مدارک مستند پزشکی قانونی که مبنی بر عمدی بودن مرگ مرحوم چراغی است صورت پذیرفته است."

کارگران معدن چشمه پودنه، در اعتراض به عدم پرداخت مزدهایشان، در محوطه معدن تجمع اعتراضی برپا داشتند!



صبح روز سه شنبه ۳۱ شهریور ماه، کارگران شیفت صبح معدن چشمه پودنه استان کرمان، شهرستان کوهبنان، در محوطه معدن به علت تاخیر در پرداخت چند ماه مزد خود تجمع اعتراضی بر پا داشتند. بر اساس این گزارش به نقل از کارگران؛ حدوداً ۱۵۰ کارگر معدنچی، صبح امروز به محل کار خود آمدند اما به نشانه اعتراض، از انجام وظیفه شغلی خود، سر باز زده و در محوطه معدن تجمع کردند. همچنین کارگران این معدن اظهار کردند: جدا از آنکه نحوه محاسبه مزایای آنها نسبت به مزایای مزدی کارگران معادن مجاور کمتر است، اما از اواسط فصل بهار تاکنون بابت مزایای مزدی خود طلبکارند.

برای آشنایی با دیدگاه ها و
تحلیل های چریکهای فدائی
خلق ایران از سایت های زیر
دیدن کنید:

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

برای تماس با چریکهای فدائی خلق
ایران با نشانی زیر مکاتبه نمایند:

BM BOX 5051

LONDON

WC1N 3XX

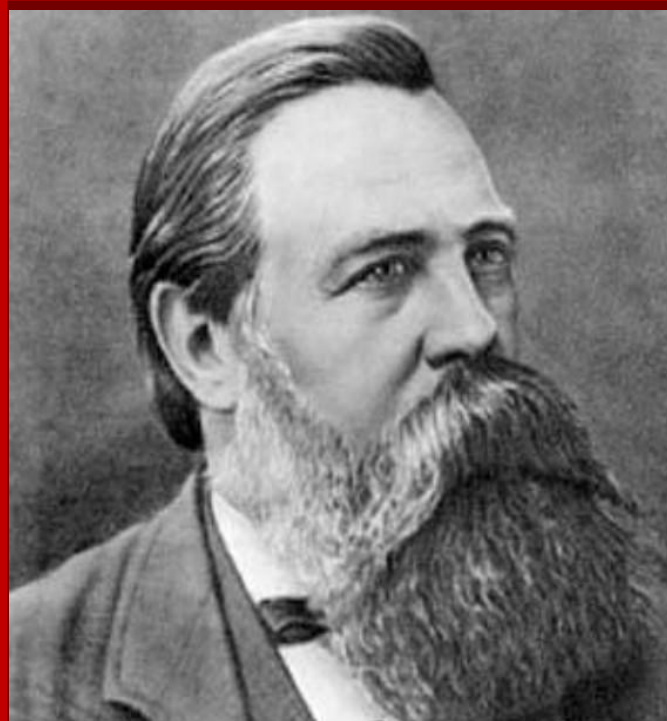
آدرس پست الکترونیکی:

E-Mail:

ipfg@hotmail.com



چریکهای فدائی خلق ایران



"زمانی که فردی به فردی دیگر آسیب جسمی وارد می آورد، آن هم آسیبی که به مرگ وی بیانجامد، این را ما قتل غیر عمد می نامیم؛ و هنگامی که شخص ضارب از پیش بداند که آسیب وارده به مرگ طرف مقابل منجر خواهد شد، آنگاه عمل او را قتل عمد می نامیم. هنگامی که جامعه صد ها پرولتر را در چنان وضعی قرار می دهد که آنها به طور حتم به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می افتند، مرگی به همان اندازه ناشی از اعمال خشونت که مرگ در اثر شلیک گلوله و یا به ضرب شمشیر، وقتی جامعه هزاران انسان را از شرایط لازم حیات محروم ساخته و آنها را در شرایطی قرار می دهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی آنها را به زور چوب قانون مجبور می سازد که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه اجتناب ناپذیر این شرایط است فرا رسد؛ وقتی جامعه می داند و به خوبی هم می داند که این هزاران نفر اجباراً قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را برقرار نگاه می دارد، این عمل جامعه یک نوع قتل عمد است، درست مثل قتل عمد توسط یک فرد؛ قتل پنهانی و خائفانه، قتل که هیچ کسی نمی تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتل که ظاهراً قتل نیست، زیرا کسی قاتل را نمی بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می آید چرا که در آن، تعرض به عمل آمده بیشتر ناشی از بی عملی ست تا انجام وظیفه. ولی در هر حال در اینجا ارتکاب به قتل عمد محرز است "

(فردریک انگلس "وضع طبقه کارگر در انگلستان")

بر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!